

## حق و منزلت کودک در خانواده

جهانگیر گلزار، به مناسبت روز جهانی کودکان قربانیان تجاوز

پس از رشد شتابگیر جمعیت در سالهای جنگ ۸ ساله بخاطر تبلیغات رژیم و نبود امکانات پیشگیری از بارداری در چند سال گذشته سیاستهای اتخاذ شده، روند رشد جمعیت را به گونه‌ای محسوس کند کرده است. افزایش جمعیت هنوز ابعادی فاجعه‌آمیز دارد و با امکانات رفاهی جامعه هیچگونه تناسبی ندارد. در دهه‌ی شصت سالانه بیش از یک و نیم میلیون نفر به جمعیت افزوده می‌شد در دهه‌ی هفتاد این رقم به ۸۰۰ هزار نفر در سال تقلیل یافت. بنا بر داده‌های مرکز آمار نرخ رشد جمعیت در حال حاضر در ایران ۱/۲ درصد است و بنا بر آمار ۷۰ میلیونی کشور در حال حاضر حدود ۸۵۰ هزار نفر به جمعیت کشور افزوده می‌شود. این کودکان از نظر تغذیه، پوشاک، تعلیم و تربیت و ... امکانات می‌خواهند و از نظر اشتغال و تشکیل خانواده و بیمه و ... باید پیش بینی‌های لازم انجام گیرد تا در زمان جوانی با مشکلات گریبانگیر نباشند. کشور ما در مجموعه جامعه جهانی است و وضعیت کودکان جهان نوید آینده بدی، همراه با محرومیت‌های فراوان را می‌دهد.

تعداد کودکان در جهان، ۲,۲ میلیارد نفر است. کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند، معادل ۱ میلیارد نفرند. یعنی از هر دو کودک، یک کودک در فقر زندگی می‌کند.

برای ۱,۹ میلیارد کودکی که در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند:

۶۴۰ میلیون نفر سرپناه کافی ندارند.

۴۰۰ میلیون نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند

۲۷۰ میلیون نفر هم به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند.

۱۲۱ میلیون کودک در جهان از خدمات آموزشی ابتدائی بی بهره اند.

در سال ۲۰۰۳، بیش از ۱۰,۶ میلیون کودک قبل از رسیدن به سن ۵ سالگی درگذشته اند که این تعداد با تعداد کودکان در فرانسه، آلمان، یونان و ایتالیا برابر است.

هرساله ۱,۴ میلیون کودک به خاطر عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و خدمات ابتدائی بهداشتی از بین می‌روند.

هرساله ۲,۲ میلیون کودک به خاطر این که واکسن نزده اند، می‌میرند.

۱۵ میلیون کودک یتیم در جهان داریم که والدین شان از بیماری ایدز درگذشته اند (این رقم برابر است با تعداد کودکان در آلمان و انگلستان).

ذهن روشنتر می‌شود اگر میزان پرداختی‌های بعضا غیر ضروری و یامخرب را نیز لیست کنیم.

هزینه بستنی در اروپا ۱۱ میلیارد دلار

هزینه خرید عطر در اروپا و آمریکا ۱۲ میلیارد دلار

هزینه غذایی حیوانات خانگی در اروپا و آمریکا ۱۷ میلیارد دلار

هزینه تفریحات شرکت‌ها در ژاپن ۳۵ میلیارد دلار

هزینه مصرف سیگار در اروپا ۵۰ میلیارد دلار

هزینه مشروبات الکلی در اروپا ۱۰۵ میلیارد دلار

هزینه مواد مخدر در جهان ۴۰۰ میلیارد دلار

هزینه تسلیحات نظامی در جهان ۷۸۰ میلیارد دلار

در واقع کودکان کشورهای جهان سوم از فقر جان می‌دهند تا با منابع آنها بشود چرخ صنعت و تکنولوژی غرب را به چرخش در آورد و آمار نشان می‌دهد که می‌توانند هزینه‌های تخریب را تا این حد نیز بالا ببرند.

اکثریت بزرگی از کودکان ایران در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که یا پدری معتاد و یا پدر و مادری معتاد دارند. تعداد این بچه‌ها را می‌شود حدود ۴ تا ۵ میلیون نفر تخمین زد. زیرا آمار دقیقی از این کودکان در دست نیست. یا از محرومیت‌های غذایی رنج می‌برند. و جزو آن تعداد خانواده‌هایی می‌باشند که زیر خط فقر قرار دارند. تعداد این کودکان را می‌توان حدود ۷ تا ۸ میلیون نفر تخمین زد. و یا کودکانی هستند که در خانواده‌های افسرده بسر می‌برند که می‌توان تعداد آنها را نیز حدود ۶ تا ۷ میلیون نفر تخمین زد. قابل توجه این‌که بسیاری از افراد معتاد، افسرده هستند و شغلی هم ندارند و یا افرادی که به علت بیکاری افسرده نیز شده‌اند و ... خانواده‌هایی که مخصوصا از فقر و یا اعتیاد و یا هم فقر و اعتیاد رنج می‌برند از تربیت کودکان خود غافل می‌شوند. البته تنها غفلت

نیست. بسیاری از کودکان خود، سوء استفاده می کنند. نگاهی به بچه های خیابان و یا بچه های کار وضعیت بد تربیت در خانواده ها را نشان می دهد. امروزه در ایران حدود ۴۰۰ هزار تا یک میلیون کودک کار خیابانی کمک خرج خانواده های خود هستند. البته تعداد زیادی از آنها بچه هایی هستند که از خانه های خود رانده شده اند.

در گوشه و کنار شهرهای بزرگ بچه های سیاه چهره، زرد و رنگ پریده ای را می توان دید که به کارهای پلاستیک جمع کنی، آهن جمع کنی، فال فروشی، گل فروشی، شیشه ماشین تمیز کنی، ویدئو فروشی، ویدئو سکسی فروشی و مواد مخدر فروشی مشغولند. این بچه ها باید به دلالتها باج بدهند. باید از جان خود دفاع کنند. هر روز به سر کار رفته شب به خانه برگردند و مزد خود را به پدر معتاد خود بدهند. و یا کمک خرج مادر خود باشند. زیرا پدر بخاطر اعتیاد خود از دادن خرجی سر باز می زند. این بچه ها بیماریهای روحی و جسمی دارند. بهداشت جسم و روان آنها در خطر جدی قرار دارد. به این بچه ها تجاوز می شود. و روزانه طبق آمار ۱۵۰ نفر آنها تنها در تهران جان می دهند. حتی سنگ قبری از آنها باقی نمی ماند.

بر اساس يك تحقيق انجام شده با همکاری وزارت بهداشت و یونسف در رابطه با وضعیت کودک آزاری در ایران، حدود ۲۰ درصد از کودکان شش تا ۱۱ ساله یعنی حدود ۱/۵ میلیون کودک و بیش از ۹ درصد از نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال یعنی حدود ۷۰۰ هزار کودک، تنبیه بدنی می شوند. بیشترین موارد از کودک آزاری در طبقات پائین جامعه دیده می شود و ۸۰ درصد از کودک آزاریها از سوی والدین انجام می گیرد.

۵۴ درصد از کودکان آزار دیده دختر و بقیه پسر هستند. پدران با ۵۴ درصد بیشترین درصد کودک آزاری را به خود اختصاص داده اند. و نامادری با ۱۳/۵ درصد در مرتبه دوم آزار رسانان به کودکان قرار دارند و مادران با ۱۰/۸ درصد کودکان خود را آزار می دهند. اکثر کودک آزاریهای جسمی، ضرب و شتم، شکستگی، شلاق، و سوختگی بر اثر آتش تهنه سیگار است.

پژوهشگران، انواع آزار کودکان را در چهار حیطه آزارهای جسمی، آزارهای جنسی، آزارهای عاطفی و نادیده گرفتن کودکان طبقه بندی می کنند.

وحشت کودک، مسایل حیثیتی خانواده و آموزش ندادن مربیان و مدیران مدارس و دانش آموزان برای آگاهی بخشیدن به کودکان در مقابل کودک آزاریها سبب شده است که اغلب موارد کودک آزاری پنهان بماند.

اولین مشکل موجود در گزارش به پرونده های کودک آزاری ترس برخی مادران از طلاق و ضرب و شتم از سوی همسران و یا دیگران بخصوص خانواده همسر است.

"ممانعت از تحصیل"، "سوء رفتار جسمی"، "ضرب و شتم"، "بهره کشی کاری"، "غفلت جسمانی عاطفی و جنسی" و "بی توجهی به درمان و تغذیه" را از انواع بد رفتاری هایی می توان بر شمرد که در قانون حمایت از کودک بصراحت از آنها به عنوان کودک آزاری نام برده شده است. آثار کودک آزاری ۴۸ تا ۷۲ ساعت باقی می ماند که در این مدت، افراد باید بخصوص در زمینه آزار جنسی به پزشک قانونی مراجعه کنند. در ایران امروز مراجع آنچنان ضد حق عمل می کنند که کمتر کسی میل مراجعه به این ادارات را دارد.

در ایران امروز فرهنگ گزارش دادن وجود ندارد. البته پشتیبانی هم وجود ندارد. کسانی که می خواهند کودک آزاری را گزارش دهند بخاطر احساس ترس از رژیم و فرد آزار دهنده از این کار منصرف می شوند.

اگر فرهنگ گزارش دادن پدیده کودک آزاری در بین مردم رواج یابد مطمئنا علاوه بر کاهش آمار کودک آزاری، قوانین حمایتی و مجازاتی بیشتری برای کودک آزاران تدوین و حساسیت ها نیز بیش از گذشته می شود.

از طرف دیگر کمبود و یا بهتر بگوییم مکانی برای نگهداری کودک یا زنان آزار دیده در کشور وجود ندارد. مکانهای موجود سر پایبی، موقت و بدون برنامه هستند. بسیاری از کودکان آزار دیده بخصوص دختران، اینگونه رفتارها را افشا نمی کنند که نیاز است با آموزش مادران در برقراری ارتباط دوستانه، شرایط بیان این دسته آزارها فراهم شود.

بیشترین تضییع حقوق کودک در محیط خانه و از سوی بزرگترها اتفاق می افتد. تا جایی که کار از کار گذشته و کودک با رفتارهای بد خانواده مانوس شده است.

همچنین ۲۵ درصد کودک آزاری ها در خانواده های طلاق اتفاق می افتد و این در حالی است که آمارها نشان می دهد ۵۰ درصد والدین ایرانی معتقدند تنبیه برای کودک لازم است و ۴۰ درصد والدین نیز به تنبیه بدنی گرایش دارند.

بررسی ها در خصوص روابط میان خانواده و فرزندان نشان می دهد، در مقابل یک مورد کودک آزاری که فاش می شود، حداقل ۲۰ مورد دیگر پنهان می ماند.

آیا فرزندان جزو متعلقات ما هستند که هر گونه بخواهیم با آنها می توان رفتار نمود؟ یا انسانهایی آزاد و با حقوق هستند؟ اگر کسی از تنبیه بدنی کودک برای تربیت فرزندان خود استفاده کند، به او یاد می دهد که از من بترس و در نهایت مشکلات روانی متعددی - از جمله نفرت و خشم - را در آنها نهادینه می کند. اگر جامعه تحمل افرادی همچون احمدی نژاد و یا خامنه ای و ... را دارد برای این است که در بسیاری از افراد قبول زور و زندگی در ترس نهادینه شده است.

تصور می کنند که عدالت را می شود با زور برقرار کرد. همان ادعایی که احمدی نژاد قبل از انتخاب شدنش داشت و آن عده از افرادی

که به او رای دادند و یا از او پشتیبانی کردند تصور داشتند که با خشونت می شود به عدالت رسید . مگر می شود با وسیله بد به هدف خوب رسید ؟ هر هدفی وسیله متناسب با خود را همراه خود دارد و یا طلب می کند .  
تنبیه بدنی یک راه حل غلط است و پیام آن این است که اگر کسی را دوست داشته باشیم، می توانیم او را بزنیم . اگر می خواهیم کسی را تربیت کنیم باید به زور متوسل شد .

معمولا پدر و مادرها پس از تنبیه به بچه توجه زیادی نشان می دهند و به او محبت می کنند. بچه برای دریافت این توجه و محبت باز همان رفتار را تکرار می کند. این دوگانگی در رفتار باعث می شود که بچه قدرت تصمیم گیری خود را در سنین جوانی از دست بدهد . وقتی بچه ها کم سن و سال هستند این مادرها هستند که اغلب میادرت به تنبیه بدنی آنها می کنند که در آنها احساس ناامنی و طرد شدن ایجاد می شود. اما وقتی بزرگتر می شوند و به سنین نوجوانی می رسند، غالبا از سوی پدرشان مورد تنبیه قرار می گیرند، که در آنها احساس حقارت به وجود می آورد. در سن ۳ تا ۵ سالگی شخصیت بچه شکل می گیرد و برای اینکه حدود خود را تشخیص دهد مرتب سوال می کند و یا بقولی بازیگوشی می کند که متأسفانه بعضی مادران با تنبیه بدنی سعی در ساکت کردن آنها می کنند . در سن ۱۳ تا ۱۶ سالگی جوان دچار دگرگونی روحی می شود زیرا هرمونهای او هر روز او را دستخوش تغییرات روحی می کنند که در نوع برخورد او تاثیر گذاشته و مخصوصا پدرها تصور می کنند در این سن باید با خشونت جلوی این نوجوانان ایستاد . این روش تاثیر عکس در روحیه جوان گذاشته تا بدانجا که تعدادی گریز از خانه را به مانند ترجیح می دهند .  
البته جوانان فراری که امروز بزرگ شهرهای ایران را محل زندگی خود قرار می دهند و اکثرا مورد سوء استفاده های مافیای فحشا و مواد مخدر قرار می گیرند به دلیل خشونت های مختلف خانواده فرار را بر مانده در جهنم خانه ترجیح داده اند .

بچه از زمان تولد با حقوق متولد می شود . او بر اساس فطرت خود که حقوق مند است ، بر آزادی عمل می کند و بر اساس استعدادهایش سعی در یادگیری دارد . محیط خانه می باید این امکان را برای او فراهم کند تا بچه همه امکانات رشد را بدست بیاورد . این امکانات یا مادی هستند و یا معنوی و تربیتی . شرایط برخورداری از امکانات مادی را باید دولت در جامعه فراهم کند تا والدین بتوانند در هزینه کردن مشکلی نداشته باشند . البته برخورداری بودن جامعه از امکانات تحصیل رایگان چه در مقطع پیش دبستانی و دبستانی و دانشگاهی از وظایف دولت می باشد . کادر مجرب جهت تدریس و مشاوره از طرف دولت باید امکان تحصیل را برای کودکان و جوانان آسان سازد . امکان انتخاب رشته تحصیلی باید در جامعه فراهم گردد . امکان زیست در جامعه سالم آنگونه باید از طرف دولت مردم سالار فراهم گردد ، که هر کس بتواند به فراخور استعدادهای فرزنداناش شرایط مساعد را برای آنها تهیه کند .

پدر و مادر باید در نظر بگیرند که همانگونه که دوست ندارند اگر خطایی کردند از طرف مقابل کتک بخورند ، حق تنبیه بدنی و روحی کودک را نیز ندارند . در واقع پدر و مادر در خدمت فرزند هستند و اگر بچه دار شده اند باید در خدمت شکوفایی کودک خود بکوشند . این طرز تفکر به والدین این امکان را می دهد که خود نیز رشد کنند . پدر و مادری که رشد و حق جویی را هدف خود می داند و روزانه بر حقوق زندگی می کند و در پی کشف استعدادهای فرزندان خود است ، فضای رشد روح خود را نیز فراهم کرده در زمینه مادی نیز بر وسع خود می افزاید . فضای دیدش بی نهایت شده در بهشت خانواده همگی در آرامش زندگی می کنند .  
در ایران چه در دوران آقای رفسنجانی و چه در اصلاحات آقای خاتمی و چه در دوران عدالت احمدی نژاد ، این مافیا است که رشد کرده و بی عدالتی حاصل آن است که رشد کرده نه امکانات رشد نسل آینده!  
جامعه ما در حال حاضر دارد در انواع خشونت دست و پا می زند . اکثر مردم خشونت را زدن ، اعدام ، تجاوز و ... می دانند . در صورتی که خشونت نادیده گرفتن صدای گریه بچه کتک خورده همسایه است .

تصور کنید سر چهار راه پشت چراغ قرمز ایستاده اید . کودکی آدامس می فروشد ، دیگری گل ، یکی فال و آن یکی می خواهد شیشه را بشوید . سرنشینان با نگاههای سرد و با جملاتی خشن آنها را از خود دور می کنند . تا زمانی که بچه آنها به این درد دچار نشده آنها آن بچه ها را نمی بینند . باید از آنها پرسید .

فرزند خود را دوست دارید ؟ تا چه حد فرزند خود را دوست دارید ؟ اگر فرزند شما بیمار شود و یا اینکه در تصادفی زخمی شود و در بستر بیماری امکان مردن او را حس کنید چه حال می شوید ؟ اگر کسی فرزند شما را مورد اذیت و آزار قرار دهد شما چگونه عکس العمل نشان می دهید ؟ اگر کسی فرزند شما را مورد تجاوز قرار دهد چگونه عکس العمل نشان می دهید ؟

و اگر کسی بچه ای را کنار خیابان و یا در همسایگی شما کتک بزند ، به او فحش بدهد، چه فکر می کنید و چگونه عمل می کنید ؟ اگر بفهمید امکان دارد کسی به کودکی تجاوز کند چکار می کنید ؟ به آسانی از کنار مسئله رد می شوید و به خود می گوئید که در مسئله دیگران نباید دخالت کرد . بچه خودش است هر کار که می خواهد می تواند با او بکند؟! من چرا خود را قاطعی مشکل دیگران بکنم؟! اگر حرفی بزنم خود را خراب می کنم !

یا اینکه در وجود تحت ستم کودک همسایه، فرزند خود را می بینید . از جا می پرید و از حق آن کودک دفاع می کنید ؟  
همه بچه های ایران تحت ستمی شدید قرار گرفته اند .

بچه حق کار و بیگاری ندارد . بچه حق تحصیل دارد . بچه حق استراحت و بازی دارد . بچه حق یاد گرفتن دارد . بچه حق دارد که به سوالات او جواب درست داده شود . بچه حق دارد که شکوفا شود . این محیط شکوفایی را در خانه با تغییر نوع تربیت بر اساس آزادی و احترام به حقوق افراد خانواده باید فراهم کرد . در شهر و کشور با فراهم کردن مدیریت جدیدی بجای دولت احمدی نژادها که کارش ساختن جوخسونت است ، دولتی را انتخاب کرد که هدفش مقابله با خشونتها و بی عدالتیها و آوردن نان و آزادی سر سفره کودکان باشد . بیایم خانه و کشورمان ایران را به گلستان خنده زیبای کودکان ببارانیم .